

افراد صالح و نیکوکار واقعی صفات حسنه خود را مخفی میکنند که موجب غرور و خود خواهی نشود. مولانا میگوید در پاره ای مواقع این پنهانکاری درست نیست و خداوند خودش به طریقی این صفات حسنه که راز است را آشکار میکند. خداوند چنین میگوید.

من نخواهم کان رمه کافر شوند - در ضلالت در گمان بد روند.

این کرامت را بکردیم آشکار - که دهیمت دست اندر وقت کار

تا که آن بیچارگان بد گمان - رد نگردند از جناب آسمان. آستانه

افرادی صالح رازهای انسانی خود را پنهان میکنند تا موجب غرور نشود .گاه خداوند پنهان بودن صفات حسنه را درست نمی داند و خودش راز صالح را فاش میکند چون گاه عده ای بر فرد صالحی گمان بد می برند و خداوند ناگاه رازی پنهان شده از این صالح را آشکار میکند تا دیگران حقیقت را دریابند . خداوند گفت من دوست ندارم که افراد دلبسته به این فرد صالح کافر شوند و گمان بد برند لذا رازت را فاش کردم

داستانی است در دفتر سوم که شیخ اقطع با دست بریده سبد می بافت در پنهانی و خداوند راهی گشود که عده ای از روزن درب خانه او را ببینند و رازش آشکار گردد